

درخت زندگی بر روی فرش

« درخت نماد زندگی است و رمز باروری پایان ناپذیر ، سرچشمه بی مرگی و مظهر حقیقت مطلق یا هستی است.....درختان از قدیم الایام نزد انسان دارای مقام و تقدس خاصی بوده اند.....درخت از عناصری است که همیشه به طور خاص در اسطوره ها و روایات ، ادبیات ، نقاشی ها و نگاره ها بکار رفته است.....» ۱

« درخت در ادبیات فارسی به نوعی نماد زندگی بوده و به دلیل تغییر دایمی خود و با عروجش به آسمان ، مظهر استواری نیز به حساب می آید.از طرفی نیز عریان شدن هر سالش از برگ و دوباره برگ دار شدنش نیز نشانه مرگ و باززایی آن است...» ۲

« درخت از نگاه نماد شناسی دارای معانی گسترده ای است،درخت را یکی از نمادهای طبیعی بسیار مهم در بیشتر تمدن های کهن می دانند که هم به تنهایی و هم با سایر نقش و نگارها دارای بیان نمادین است. مفهوم درخت در بسیاری از فرهنگ ها همچون اسطوره ای ، بازتاب رابطه خدا و انسان ، ارواح مقدس ، مرکزیت جهان و است....در بسیاری از اقوام باستانی درخت به عنوان خدا پرستیده می شده است... انسان بدوی گمان می کرده هر چیز متحرکی همچون او و جانداران دارای روان است به همین دلیل درخت را دارای روان و جاودانه می دانسته است. انسان های دوران باستان برای درختان درست همانند انسان قایل به وجود روحی بودند و انداختن درخت را با کشتن انسان یکی می دانستند.... درخت همیشه سبز ، نماد پابرجایی، جاودانگی و بی مرگی است و بهار بی پایان را تصویر می کند و در همین حال ، درخت میرا نیز نماد مردن برای شروع حیاتی دوباره و نوزایی و باروری است. یعنی درخت نماد آفرینش ، حیات ، تکاپو، رستاخیز و تجدید حیات و زندگی جاودانه پس از مرگ نیز هست. بنابراین نمادی از زندگی و گذشت زمان و حرکت دوری است و پژمردگی صورتی آن در پاییز ، مرگ صورتی آن در زمستان ، تجدید حیاتش در بهار و شکوه و جلال آن در تابستان نشانه تداوم حیات و بزرگترین عامل تقدس آن به شمار می آورد....تقدس درخت در ایران نیز به سال ها پیش از تاریخ می رسد تا آنجا که در نقوش مختلف در تاریخ ایران نقش درخت زندگی یکی از مظاهر مذهبی بوده که از دوران های پیش از تاریخ تا پس از ساسانیان همواره زینت بخش اشیا نقس دار بوده است. درخت سرو نزد ایرانیان باستان سمبل درخت زندگی بود که آن درختی همیشه سبز و جوان و پابرجا که خود نمادی است از زندگی و بقای حیات.....درخت سرو نماد اهورامزدا ، ایزد برتر ایزدان ایرانی است ...» ۳

« نقش درخت ، یکی از رایج ترین عناصر تزئینی قالی های شرقی است. تکرار آن در قالی های باغی و یا به صورت تک درخت بزرگ در وسط قالی به چشم می خورد، درخت بر روی قالی ها به صورت استلیزه و یا به صورت رئالیستی نقش پردازی می گردد.....معمولا درخت زندگی میان تصاویر دو راهب و کاهن، یا دو جانور افسانه ای (

شیردال، بزوحشی، شیر...) قرار دارد که نگهبانانش به شمار می روند و رمز نیروی مقدس محسوب می شوند. به همان شکل که گیاهان و درختان مقدس متنوع و متفاوتند ، تصویرگری این رستنی های مقدس بر روی فرش های ایرانی از تنوع خاصی برخوردار است....

درخت - محراب : درخت زندگی سمبلی از شادابی و تداوم است، علاوه بر این محور جهان خوانده می شود. سمبلی که ریشه های آن جهان زیرین را و شاخه های آن جهان ملکوتی را به یکدیگر متصل می کند. از این جهت این سمبل اغلب در محراب قالیچه های سجاده ای دیده می شود و گاهی در میان یک جفت پرنده قرار می گیرد و اشاره ای است به وحدت و حیات دوباره. کاربرد محراب، جهت دهی مومن به سوی مکه است. محراب دروازه بهشت را به او نشان می دهد، در عین حال محراب یک پناه و مکان امن برای مومن است و رابطه اش را با جهان ملکوتی برقرار می کند. در این مکان مقدس اغلب درخت زندگی با یک گلدان گل همراه با حوضچه آب قرار دارد و آن اشاره ای است به آب حیات و زندگی جاودانه و گاه از نوک قوس محراب ، قندیلی آویزان می شود که سمبلی از نور ملکوتی است... در تصویر ۱ ، قالی تبریز با طرح محرابی سروی در زمینه مشاهده می شود. درخت سرو در وسط ، نماد خرمی و جاودانگی است و نشانگر تقدس این درخت است. در میان این درخت ، طرحی از یک گل ختایی همراه با کشکول دیده می شود در پایین درخت تعدادی محراب متصل به هم پوشیده از گل با طرح « صف» به چشم می خورد . ارتباط نور (با نماد قندیل آویخته) و محراب و درخت در اینجا آشکار است... ۴

« **درخت - سبو همراه با حیوانات محافظ :** گونه دیگر نقش پردازی درخت زندگی همراه با گلدان یا سبویی است که گلها و گیاهان اغلب از آن روئیده اند. این نقش مفهومی مشابه درخت در محراب دارد. سبو نماد برکت و باروری است. سبوی دو دسته یا بدون دسته که ممکن است از درون آن دو نهر آب متقارن به بیرون جریان یابد، چنانکه در بندهشن (یکی از کتابهای دینی زرتشتی که حاوی اساطیر مربوط به خلقت جهان می باشد) آمده، تیشتر آن را برای نازل کردن باران بکار می برده است. سبو- درخت نیز از نشانه های باستانی برکت است. سابقه حضور آن در ایران ، به مفرغ های لرستان می رسد... نقشمایه درختی که در گلدان قرار گرفته است همراه با محافظان و نگهبانان اسطوره ای بر روی قالی های ایرانی دیده می شود. این نقش گاهی میان دو درخت سرو یا دو درخت گلدار که محافظان آن هستند، قرار می گیرد و در مواردی پرندگان ، شیرها، سواران بر اسب و یا شیری که بر گرده گاوی جهیده ، محافظان آن به شمار می آیند... از هزاره سوم ق.م. نقش حیوانی شبیه شیر که نشانی از خورشید ایت را در دو طرف درخت زندگی می بینیم و اهمیت آن به خاطر مفهوم تابستان و گردش فصول است. نقش شیر به همراه درخت زندگی در تصویر شماره ۲ بر روی قالی کردی متعلق به قرن ۱۴ ه. ق. دیده می شود...»

درخت - نیلوفر: سابقه کهن و اساطیری نیلوفر نزد ایرانیان و هندیان به حدی است که آثار نیلوفر هشت و دوازده و حتی هزار برگ را در معماری و آثار باستانی این دو قوم به وضوح می توان دید. در ایران باستان نیلوفر سمبل و نشانه زندگی و آفرینش است... گل‌های نیلوفر آبی به صورت گل‌های منفرد یا بر روی درختان گلدار بر روی فرش های ایرانی نقش پردازی شده است. این نقش در ترکیب با دو ماهی که یادآور محافظان اسطوره ای درخت زندگی است در نقش معروف ماهی درهم ظاهر می شود... (تصویر شماره ۳)

درخت - سیمرغ: این مرغ افسانه ای در قالی ایرانی متعلق به کرمان بر فراز درختی با برگ‌های چنار مانند دیده می شود. به نظر می رسد نقش سیمرغ به شکل منفرد در قالی مذکور که حال و هوای بهشتی دارد ، نماد جان و روح آدمی است که پس از رسیدن به کمال به جوار رحمت الهی و فردوس برین می رسد. سیمرغ رمز رسیدن به شرق است و در این فضای بهشتی قالی، سیمرغ عامل اساسی نور و روشنایی و نماینده ذات باریتعالی است. اما در تقابل با ازدها مفهوم رویارویی نهاد نیک و بد حاکم بر جهان طبیعت و مادی قوی تر است. تکرار چهار سیمرغ به شکل ترنج در حالیکه درختی را دربر گرفته اند، در مرکز قالی باغی قم متعلق به قرن بیستم یادآور افسانه زرتشتی است. (تصویر شماره ۴)

نقشمایه های باغی: در ذهنیت ایرانی، باغ تصویری فراگیر دارد، به اندازه ای که قرن هاست به صورت بینشی درونی درآمد است و جزیی از فرهنگ آن به شمار می رود. باغ ها به بیانی ، روح و مظهر طبیعت تلقی می شوند و در سرتاسر گیتی به مثابه رجعتی به اعتقادات باطنی هستند . تصاویر درخت سرو ، بید و درخت گلدار در این باغ های تصویر شده در قالی ها شایان توجه است. از نظر علی حصوری ، دسته ای از قالی های تاریخی ایران به وضوح و دسته ای دیگر تلویحا نقشه باغی را تصویر می کنند. نام اصیل ایرانی برای این نقش گلستان است. پرفسور پوپ در این زمینه بیش از هر چیز به نقشه باغها و تصویر ایرانی باغ فردوس که گلستان مینوی است، توجه کرد. فردوس باغی است محصور با چند حصار پشت سر هم که یک حصار آن از همه بلندتر و پهن تر است، به طوری که اهریمن نتواند به آن راه پیدا کند. حاشیه های مکرر در فرش ایران همان دیوارهای فردوس است. دارای چشمه آبی ازلی - ابدی است، بطوری که آب همیشه در آن جریان دارد و انواع حیوانات اهلی و وحشی و گیاهان ، زندگی شاد و جاودانه ای در آن می گذرانند و شبکه های مستطیل یا مربعی با جوی های آب بوجود می آید...

نقشه خشتی یا قابقابی در ایران (مخصوصا چهارمحال بختیاری و یلمه) می تواند خلاصه مستقیمی از نقشه گلستان باشد . (تصویر شماره ۵) ، حتی نقشه معروف سبزیکار کرمان نیز یادآور فردوس های آسمانی است .

تصویر شماره ۶) ، برداشت هندسی تری از این سبک همراه با رنگ های کدرتر و تیره تر متعلق به کردستان است..(تصویر شماره ۷) « ۵

منابع: شماره ۱ : مقاله مطالعه تطبیقی نماد درخت در ایران باستان با اسلام و نمود آن در آثار هنری ، نویسنده : منیره پورآذر، سال ۱۳۹۵

شماره ۲ و ۳: مجله منزل ، نویسنده : گلنار صفاریان ، ۲۶ آبان ۱۳۹۷

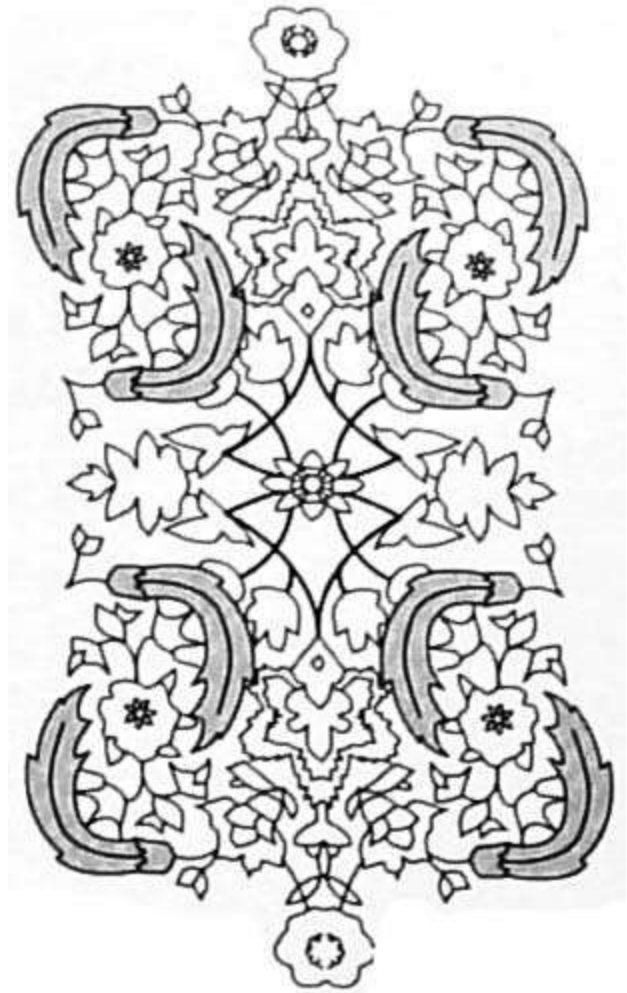
شماره ۴ و ۵ : مقاله صورت های متنوع درخت زندگی بر روی فرش های ایرانی ، نویسندگان حسین عابد دوست و زیبا کاظم پور، گلجام فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن علمی فرش ایران، شماره ۱۲ ، سال ۱۳۸۸ ، صفحات ۱۲۳ - ۱۳۹



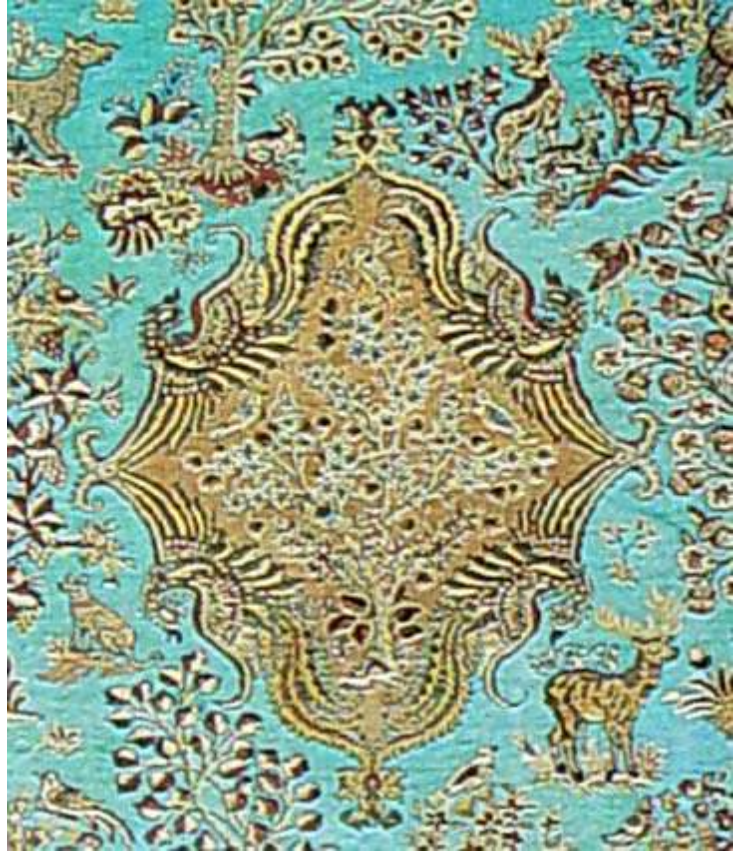
تصویر شماره ۱ : تبریز ریا، اواخر قرن ۱۳ ه. ق



تصویر شماره ۲ : کردستان ، قرن ۱۴ ه.ق.



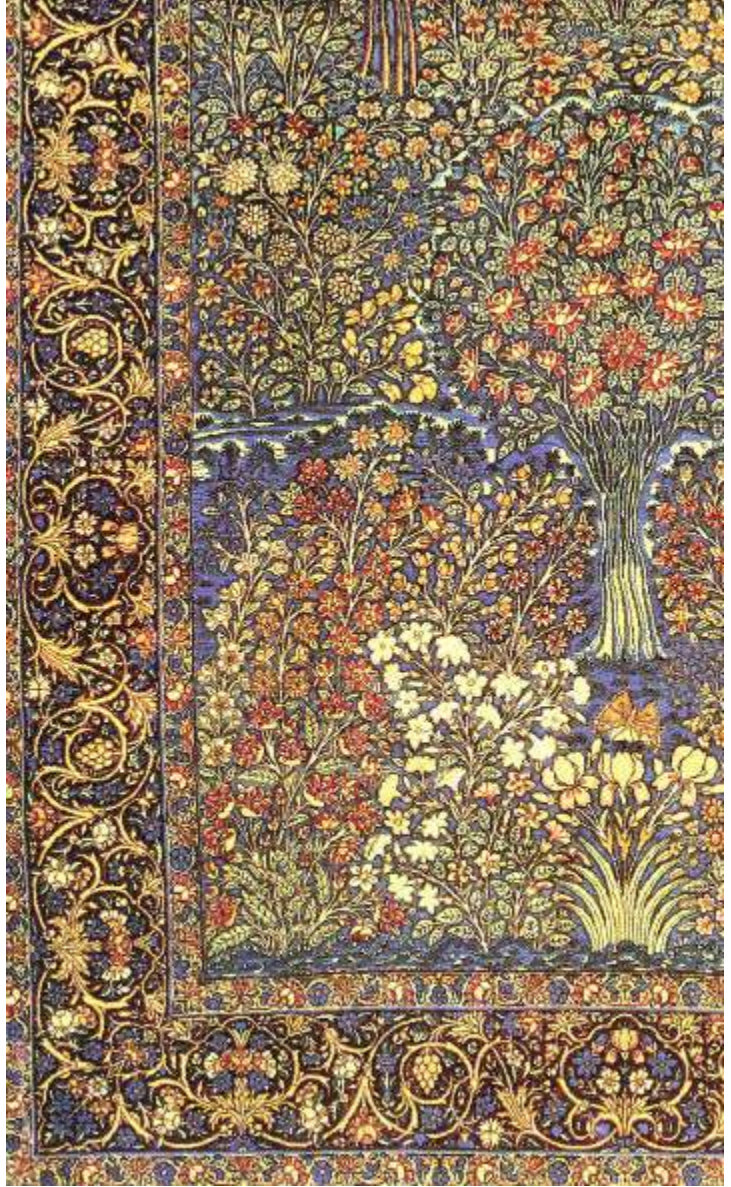
تصویر شماره ۳ : هراتی یا ماهی درهم



تصویر شماره ۴ : قم ، قرن ۱۴



تصویر شماره ۵ : از چپ به راست : درخت سرو، شلمزار بختیاری ، بید ، رز بلداجی، تاک ، بوته گل سامان
بختیاری ، درخت شاخه دار بختیاری



تصویر شماره ۶: درختی سبزیکار کرمان ، ۲/۲۴ * ۱/۳۸ متر



تصویر شماره ۷: باغی کردستان، قرن ۱۲ ه. ق.